

یوم جمعه یوم ظهور

فاروق ایزدی نیا

مقدمه

در قرآن مجید آیه‌ای است در باب یوم جمعه: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ." (سوره جمعه (۶۲)، آیه ۹ - مضمون: ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی در روز جمعه ندای صلوة بلند شد، بشتابید به سوی ذکر الهی و خرید و فروش را رها کنید.)

برداشت امت سلف آن بود که مقصود از این آیه نماز جماعت است و از برای آن احادیث بسیار نقل کنند و اهمیت صلوة جماعت را بیان کنند. اما علت اهمیت آن را ذکر نکنند.

در آثار مبارکه این ظهور نیز به یوم جمعه اشاره شده و حتی تعریف «جمعه» آورده شده است. بیان مبارک گویای آن است که حدود زمانی ابداً مطرح نیست، بلکه «جمعه» صفتی است که به یوم خاصی داده شده است.

اگر به تمامی سوره جمعه که بیش از یازده آیه نیست توجه تام داشته باشیم، ملاحظه می‌کنیم که اشاراتی به ظهور مبارک است. ابتدا نگاهی به آیات این سوره داشته باشیم و سپس به بعضی تبیینات حضرت عبدالبهاء در خصوص برخی آیات این سوره توجه کنیم و در نهایت توصیف یوم جمعه از قلم حضرت بهاءالله را مد نظر قرار دهیم.

آیه قرآنی

در آیه مبارکه، بعد از آیه فوق آمده است که بعد از اتمام صلوة در پهنه زمین منتشر شوید و در طلب فضل و بخشش الهی برآید و خداوند را بسیار یاد کنید؛ شاید رستگار شوید. معمولاً به کسی که در طلب علو و سموی باشد، راهنمایی می‌کنند که چه باید بکند تا به مقصود واصل شود و اگر از ابتدا به آن نائل شده باشد، دیگر لزومی ندارد که بگویند چه باید بکند تا برسد. در آیه مبارکه، پس از رها

کردن امور دنیوی و فدا کردن جیفهٔ این عالم و رسیدن به «ذکر الهی» باید در سراسر زمین منتشر شوند و به ذکر الهی پردازند و در جستجوی فضل الهی برآیند. دیگر رجوع به امور دنیوی صلاح نیست. و حتی در آیهٔ بعد می‌فرماید کسانی که تا چشمشان به تجارت و لهو و لعب می‌افتد و خدا را ترک گویند و به سوی آن شتابند، باید گفت که آنچه نزد خداوند است بهتر از هر تجارتی است. جالب است که در آیهٔ دیگر قرآن در شأن مؤمنین حقیقی می‌فرماید، "رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ." (سورهٔ النور (۲۴)، آیهٔ ۳۷. مضمون: کسانی هستند که تجارت و خرید و فروش آنها را از ذکر الهی باز نمی‌دارد."

در آثار حضرت اعلیٰ مشاهده می‌شود که یکی از القاب آن حضرت «ذکر» است. در واقع وقتی ندای الهی بلند می‌شود، رها کردن امور دنیوی و شتافتن به سوی «ذکر» واجب می‌شود و پس از آن باید به جستجوی فضل الهی پرداخت. فقط کسانی موفق به عرفان به «ذکر» الهی می‌شوند، که امور دنیوی، که تجارت و خرید و فروش مظهر آن است، آنها را از مجاهده جهت رسیدن به حضرتش باز ندارد.

تبیین حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء در باب تجارت دنیوی به شخصی که در تجارت دنیوی متضرر شده است، می‌فرمایند، "... با ما هم‌داستان گشتی و به راه راستان درآمدی. لکن شرطش این است که دوباره خویش را آلوده ننمائی و در بحر تجارت، که عاقبتش رسوائی و خسارت است، باز خویش را مستغرق ننمائی. بلکه فراغت طلبی و انقطاع جویی و در فکر ربح عظیم و نفع جلیل و تجارت در بازار حضرت سلطان احدیت افتی ... این تجارت‌ها را تجربه نمودی و امتحان کردی. ثروت قدیم خسران مبین شد و منفعت کلیه مضرت عظیمه گشت؛ ربح عظیم ضرر شدید گردید و سود و نفع جسم ناقص پدید شد؛ سود زیان گشت و گنج حسرت بی‌پایان گردید." (منتخباتی از مکاتیب، ج ۶، ص ۳۹۷)

در ادامه کلام مبارک است که به یوم جمعه اشاراتی دارند و استناد به آیه قرآن می‌کنند: "یک چند خدمت معشوق و می‌کنیم. در قرآن می‌فرماید، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ.» پس در این یوم اکبر باید به اعظم صلوة که تبلیغ امرالله است پرداخت. تالله الحق انّها لتجارة رابحة و ثروة كاملة و سلطنة قاهرة و عزة باهرة و ملك دائم و سرير قائم و شأن عظيم عند كل ذي حظ عظيم...» (همان)

ملاحظه می‌شود که حضرت عبدالبهاء یوم جمعه را یوم خاصی نمی‌دانند، بلکه این یوم الهی می‌دانند و تلویحاً اشاراتی دارند که یوم جمعه، یوم ظهور الهی است و باید که اوقات را صرف تبلیغ امرالله نمود و البته باید در وجه ارض منتشر شد و به اشاعه پیام الهی پرداخت.

لوح مبارک حضرت بهاءالله

لوح مبارک که در مجموعه آثار قلم اعلیٰ، شماره ۷۳، صفحات ۱۷۹ الی ۱۸۶ طبع شده، بخشی فارسی و بخشی عربی و خطاب به جواد تبریزی، که طالب کشف امر شده، نازل شده است. در این لوح (ص ۱۸۳ مأخذ فوق) به توضیح معنای جمعه می‌پردازند.

بیان مبارک حاکی از آن است که مقصود از جمعه روزی است که مردم در حضور خداوند اجتماع می‌کنند و حضرتش در مظهر نفسش تجلی می‌کند و ورقاء الهی و خروس عرشی به نغمه و ترانه می‌پردازند؛ آسمان عدل و داد خداوند مرتفع می‌گردد و جمیع خلایق محشور می‌شوند و همراه با آنها اعمال و افعالشان نیز معلوم و مشهود است و همانطور که در قرآن کریم حکمش نازل شده، مجازات و مکافات اعمال می‌گردد. هیكل مبارک تأکید دارند که جمعه ابدأً اختصاص به یوم خاصی ندارد و محدود به حدود زمان نیست؛ بلکه هر یومی که خداوند در آن قیام فرماید، به جمعه تسمیه می‌شود. در مقام مثل می‌فرمایند زمانی که حضرت

محمد قیام فرمود، آن روز به جمعه تسمیه شد و این همان یومی است که به تغابن، قارعه، حاقه، و واهیه نامیده شده است.

می‌دانیم که در همان سوره جمعه، آیه ۲ به ظهور حضرت رسول اکرم اشاره دارد و آن را با عبارت «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» می‌ستاید. حضرت عبدالبهاء این آیه را با ظهور حضرت بهاء‌الله انطباق می‌دهند، "... به صرف بخشایش الهی شمی حقیقت از ایران اشراق فرمود و پرتو عنایت بر آفاق مبذول داشت و این از خصائص «یختصّ برحمته من یشاء» و «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» (منتخباتی از مکاتیب، ج ۶، صص ۸-۹).

و در لوحی دیگر نیز به همین شهادت می‌دهند، "ای بنده پروردگار حضرت ربّ مختار جمیع من علی الأرض را به مطلع انوار دعوت نمود و لکن نفوس مقدّس را به هدایت کبری موقّق و از بین طائفه بشر منتخب فرمود. زیرا هدایت از آثار و لوازم فضل است نه عدل و از خصائص و موهبت خداوند جزیل النعم؛ «یختصّ برحمته من یشاء و یهدی من یشاء» و «ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.» (همان، ص ۹)

به این ترتیب مشهود می‌گردد با قیام مظهر خداوند در هر دوری، یوم ظهورش «جمعه» نامیده می‌شود. همانطور که حضرت عبدالبهاء اشاره می‌فرمایند که هدایت کبری از آثار فضل است، در همان سوره جمعه هم تصریح شده، "وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ."

جمال مبارک در ادامه کلام اطهر به وقوع قیامت و مضی آن اشاره دارند و از فراق آن محزون هستند. بعد به انسداد ابواب فضل و احتجاب انوار وجه اشاره دارند که چون جمال الهی وجه خود را پوشاند و رجوع فرمود این اتفاق رخ داد. به نظر می‌رسد به وقوع لیل، که به تصریح حضرت عبدالبهاء ایام بطون بین دو ظهور است، اشاره دارند: "ایام ظهور مظاهر مقدّسه یوم اشراق است، یوم وصال است، یوم سطوع انوار جمال است. پس از افول شمس حقیقت یوم فراق است،

وقت غیاب است، لیل هجران است تا ظهور ثانی و طلوع دیگر." (مائده آسمانی، ج ۹، ص ۱۲).

به اغلب احتمال، لوح مبارک باید قبل از اظهار امر علنی هیکل مبارک نازل شده باشد. زیرا تصریح می فرمایند که اهل ارض از آنچه که در اثر اعراض از جمال الهی مرتکب شده و از آنچه که از آنها فوت شده آگاهی ندارند، مگر آنکه کسی در «زمن المستغاث» آن را درک کند. «مستغاث» از القاب الهی و مرتبط با ظهور آن حضرت طبق بشارات حضرت ربّ اعلیٰ است.

در پایان این لوح مبارک حضرت بهاء الله به صراحت به اهل عالم می فرمایند که اگر بدانند در زمان ظهور الهی چه امری را مرتکب شده اند ابدأ آرام نگیرند و آسایش نپذیرند و بر گل جالس شوند و مانند فرزندمرده ها، بل شدیدتر از آن، بگریند و بزارند؛ شدت آن به قدری است که قلم آن را مکشوف نسازد، اما هنگامی که روح از ابدان مفارقت نماید، "سیظهر علیهم".

مضمون لوح مبارک

پس بدان که مقصود از «جمعه» روزی است که مردم در حضور خداوند جمع می شوند و خداوند به واسطه مظهر خود بر امرش قیام می کند و این حقیقتی است معلوم و در آن روز کبوتر [بهشتی] می خواند و خروس عرشی بانگ برمی آورد و آسمان عدل مرتفع می گردد و جمیع آفریدگان گرد می آیند و آنچه را که در زندگی باطل خود انجام داده اند آنها را همراهی می کند و به هر آنچه که انجام داده اند جزا داده می شوند و این همان «یوم جمع» است که حکم آن در قرآن نازل شده همانطور که می خوانید؛ و بدین لحاظ به هیچ حدّ محدود نشده و به هیچ روز خاصی اختصاص نیافته؛ بلکه هر روزی که خداوند در آن قیامت فرماید، به جمعه تسمیه می گردد، اگر بدانید. و زمانی که [حضرت] محمد در آن روز بر امر قیام فرمود، بنابر این به این اسم تسمیه شد و به آن اختصاص یافت، آنچنان که شما به

حساب می‌آورید و این از روزی است که به اسم‌هایی از قبیل «تغابن» و «قارعه» و «حاقه» و «واهی» و غیر آن نامیده شده. زیرا در آن روز تمام آنها ظاهر شد و تمامی آنچه شما نمی‌دانید و به قیامت نامیده شده، زیرا در آن یوم بقای الهی قائم شد و به کلمه‌ای ظهور فرمود که آسمان‌ها شکافته گشت و زمین‌ها لرزید و هر آنچه که بین آسمان و زمین بود مگر کسانی که بردباری پیشه کردند و به آیات الهی یقین داشتند؛ قیامت به قیام الهی واقع شد و غیر از نفوس مخلصه احدی آن را درک نکرد.

آیا نشنیدی راجع به ایام الهی چگونه بر کسانی که ایمان آورند مائدهٔ قدسی نازل شد و همه از آن روزی گرفتند و در هر جمعه عنایت الهی از هر سوئی آنها را اخذ می‌کند و این عنایت عبارت از میوه‌های قربیت و وصال است که همواره از آن روزی می‌گیرند؛ بلکه در هر آنی به فضلی از سوی خداوند مفتخر می‌شوند و در هر حینی به دست سفرای خداوند بر آنها آیات خداوند توانای قیوم نازل می‌شود. پس خوشا به حال کسی که در روز قیامت به ایام او فائز گردد و در فضل پیشی گیرد و از کسانی باشد که از اثمار روح لذت می‌برند.

تمام اینها گذشت و قیامت سپری شد و ما با دیدهٔ باطن از فراقش گریانیم. پس شما، ای گروه محبین، اینک بگریید. حزن از آن که قیامت سپری شد و جمالش را پوشاند و بازگشت و ورقا ترنم کرد و ابواب فضل بسته شد بعد از آن که باز شده بود و پرده بر انوار وجه فرو افتاد و مائدهٔ آسمانی ممنوع شد و علت آن کارهایی بود که کافران مرتکب شدند و به این علت قلوب کسانی که در سراپرده‌های اسماء ساکن هستند محترق شد.

ای حسرت و افسوس بر شما ای اهل زمین و به کسانی که شما را در اعمال و رفتارتان پیروی کردند. شما از جمال الهی، که به حق ظهور فرمود و از افق قدس محبوب بر شما اشراق کرد، روی برگردانید و نمی‌فهمید که چه امری از شما فوت شد؛ حالا نمی‌فهمید و کسی ابداً درک نمی‌کند مگر در زمان مستغاث. این

را خداوند به دست قدرت بر الواح عزّ محفوظ نوشته است و این سنت الهی است که از قبل به حقّ جاری شده و تبدیلی هم از برای آن نیست.

خوشا به حال کسی که در روزی که کلمه در محضر خداوند مقدّس متعالی قدّوس اجتماع کند، از مرقد قلبش مبعوث شود. بگو ای اهل عالم، برخیزید از قبورتان و آنچه را که از شما فوت شده جبران نمایید؛ بر خودتان رحم کنید و سپس از جمال الهی محتجب نمانید. پس قسم به خداوند که هیچ چیز در این عالم شما را نفع نمی‌بخشد مگر این، اگر کمتر از آنی در پیش خود به اندیشه پردازید.

بگو ای مردم، قسم به خداوند اگر متوجّه باشید که در زمان ظهور الهی به چه عملی دست زده‌اید، بر جایگاه خود ابداً آرام نخواهید گرفت و در خانه‌هایتان نخواهید ماند؛ بر روی خاک خواهید نشست و خواهید گریست؛ همچون کسی که بر فرزندش می‌گرید بلکه شدیدتر از آن به نحوی که حکم آن و مقدار آن ابداً از قلم جاری نخواهد شد و به زودی، زمانی که روح از بدنشان خارج می‌شود و به خاک برمی‌گردند، بر آنها ظاهر خواهد شد.

متن لوح مبارک

"فَاعْلَمْ بِأَنَّ الْمَقْصُودَ مِنَ الْجُمُعَةِ يَوْمَ الَّذِي فِيهِ يَجْتَمِعُ النَّاسُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ فِيهِ يَقُومُ اللَّهُ عَلَى أَمْرِهِ بِمُظْهِرِ نَفْسِهِ وَ هَذَا لِحَقِّ مَعْلُومٍ وَ فِيهِ تَغْرَدُ الْوَرَقَاءُ وَ تَدْلَعُ دِيكُ الْعَرْشِ وَ تَرْفَعُ سَمَوَاتِ الْعَدْلِ وَ يَحْشُرُ فِيهِ كُلَّ الْخَلَائِقِ اجْمَعِينَ وَ بِكُلِّ مَا عَمِلُوا فِي الْحَيَاةِ الْبَاطِلَةَ وَ يَجْزُونَ بِكُلِّ مَا كَانُوا أَنْ يَفْعَلُونَ وَ هَذَا مِنْ يَوْمِ الْجُمُعِ قَدْ نُزِّلَ حُكْمُهُ فِي الْفُرْقَانِ كَمَا أَنْتُمْ تَقْرَأُونَ وَ لَذَا لَنْ يَحْدَّ بَحْدٍ وَ لَنْ يَخْتَصَّ بِيَوْمٍ؛ بَلْ، كُلُّ يَوْمٍ قَامَ فِيهِ اللَّهُ يُسَمِّي بِالْجُمُعَةِ لَوْ أَنْتُمْ تَعْرِفُونَ وَ لَمَّا قَامَ مُحَمَّدٌ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الْأَمْرِ لِهَذَا سُمِّيَ بِهَذَا الْإِسْمِ وَ صَارَ مَخْتَصَّاً بِهِ كَمَا أَنْتُمْ تَعُدُّونَ وَ هَذَا مِنْ يَوْمِ الَّذِي سُمِّيَ بِالتَّغَابِينِ وَ الْقَارِعَةِ وَ الْحَاقَّةِ وَ الْوَاهِيَةِ وَ غَيْرِهَا مِنَ الْأَسْمَاءِ. لِأَنَّ فِيهِ ظَهَرَ كُلَّ ذَلِكَ وَ كُلُّ مَا أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ وَ يُسَمِّي بِالْقِيَامَةِ لِأَنَّ فِيهِ قَامَ اللَّهُ بِقَائِهِ وَ ظَهَرَ بِكَلِمَةٍ

تفطرت عنها السموات و تزلزلت الأرضين و ما بينهما إلا الذينهم صبروا و كانوا بآيات الله هم موقنون و قضى القيمة بقيام الله و ما ادركها إلا المخلصون. أما سمعت من أيام الله كيف نزل على الذين هم آمنوا من سماء العزة مائدة القدس و كل كانوا بها لمتعمون و فى كل جمعة يأخذهم عناية الله من كل شطر و هم عن فواكه القرب و الوصل فى كل يوم يُرزقون بل فى كل أن افترخوا بفضل من الله و فى كل حين نزلت عليهم آيات الله المقدر القيوم بأيدى من سفرائه فهنيئاً لمن فاز بأيامه فى يوم القيمة و استبق فى الفضل أى كان من الذينهم كانوا بأثمار الروح أن يتلذذون.

قضت كل ذلك و مضت القيمة و إننا نبكى بعيون سرننا لفراقها و أنتم، يا معشر الحب، حينئذ فابكون. فوا حُرناه بما طوت القيمة و غطّ الجمال و رجعت و غنت الورقاء و سدّت ابواب الفضل بعد انفتاحها و احتجبت انوار الوجه و منعت مائدة السماء فيما اكتسبت ايدى ذين كفروا و بذلك احترقت افئدة الذينهم فى سرادق الأسماء أن يسكنون.

فأف لكم يا ملأ الأرض و بالذين اتبعوكم فى افعالكم و اعمالكم فانكم أعرضتم عن جمال الله بعد الذى أظهر بالحق و أشرق عليكم من افق قدس محبوب و لا تشعرون بما فات عنكم أنتم حينئذ لا تشعرون و لن يُدرکہا أحد إلا فى زمن المستغاث و هذا ما كتَبَ الله بأيدى القدرة على الواح عزٍ محفوظ و هذه من سنة الله التى قضت بالحق و لا تبديل لها.

فطوبى لمن يبعث عن مرقد فواده فى يوم الذى يجتمع الكلمة فى محضر الله المقدس المتعالى القدوس. قل يا ملأ الأرض قوموا عن مراقدم و تداركوا عما فات عنكم؛ فارحموا على أنفسكم ثم عن جمال الله لا تحتجبون. فوالله لن ينفعكم شيئاً فى الملک إلا هذا إن أنتم اقل من أن فى أنفسكم تتفكرون.

قل يا قوم، فوالله لو تلتفتون بما اكتسبت أيديكم فى زمن الله لن تستريحوا على مقاعدكم و لن تسكنوا فى البيوت و تقعدون على الرماد و تنوحون كبكاء الذينهم

على أبنائهم يبكون بل اشدّ من ذلك بحيث لن يجرى حكمه و لا مقداره من القلم و سيظهر عليهم حين الذي يخرج الروح عن ابدانهم و إلى التراب هم يرجعون ..."

بعضی اصطلاحات مذکور در لوح

ورقا = مؤنث اوراق به معنی خاکستری‌رنگ و نیز کبوتر و به تشبیه بر نفس ناطقه و روح قدسی اطلاق گردید. (اسرارالآثار خصوصی، ج ۵، ص ۲۹۳)

دیک العرش = به معنی خروس عرشی آسمانی ملکوتی که در قصص قدیم بود و چنین نوشتند که چون به آواز آید همه خروسان زمین بخوانند. در شرح کوثر ... قوله، "بما صاح دیک البهاء علی قبة الزمان" ... اهل بهاء آن را هم مانند ورقاء عرشی رمز و تشبیه روح القدس و الهام و وحی و قوه قدسیه مظاهر الهی تفسیر و تأویل کنند. (اسرارالآثار خصوصی، ج ۳، ص ۲۶۰)

یوم‌الجمع قد نزل حکمه فی الفرقان = یوم‌الجمع در سوره شوری (۴۲)، آیه ۷ ("... تُنذِرُ یَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِیهِ فَرِیقٌ فِی الْجَنَّةِ وَفَرِیقٌ فِی السَّعِیرِ")؛ و نیز سوره تغابن (۶۴)، آیه ۹ ("یَوْمَ یَجْمَعُکُمْ لِیَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِکَ یَوْمُ التَّغَابُنِ" در این آیه مؤمنین و نیکوکاران را به بهشت وعده داده است) نازل شده است.

تغابن = علاوه بر آن که سوره‌ای (شماره ۶۴) به این نام وجود دارد، یوم‌الجمع را یوم تغابن نامیده است.

قارعه = نام سوره ۱۰۱ قرآن کریم و از القاب قیامت و مذکور در سوره مزبور و نیز سوره رعد (۱۳)، آیه ۳۱؛ و سوره الحاقه (۶۴)، آیه ۴، ذکر شده است.

حاقه = سوره ۶۹ قرآن کریم است و در آیات ۱، ۲ و ۳ نیز این اصطلاح آمده که از القاب قیامت است.

واهیة = در سوره حاقه ذکر شده و به معنی سستی است که برای آسمان به کار رفته است. زیرا در آن یوم آسمان شکافته می‌شود، زیرا سست‌پیوند است. نزد

اهل بهاء مقصود از آسمان، آسمان دین گذشته است که شکافته می شود، یعنی منسوخ می گردد.

قیوم = از القاب جمال مبارک است.

تفطرت عنها السموات = انفطار سماء از اصطلاحات قرآن است و در سوره انفطار (۸۲)، آیات ۱ و ۲ مذکور است: "إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انشَرتْ...".

تزلزلت الأرضین = اصطلاح قرآنی مذکور در سوره زلزله (۹۹)، آیه ۱ است: "إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا...". حضرت عبدالبهاء می فرمایند، "شمس حقیقت در منطقه البروج دور زد تا در قلب الاسد اشراق فرمود و نور به آفاق بخشید و چنان حرارت و سورتی مبذول داشت و بر کائنات بتافت که حقائق اشیاء را بتمامها از حیز کمون بر عرصه وجود مشهود و ظاهر نمود و حقیقت «زلزلت الأرض زلزالها و اخرجت الأرض اثقاله و قال الإنسان ما لها یومئذٍ تحدّث اخبارها بأن ربک اوحی لها» تحقق یافت و سرّ منون و روز مصون که در اراضی قابلیت مستور بود واضح و آشکار شد." (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۶، صص ۴۴۲-۴۴۳)

انوار وجه = وجه به بیان حضرت عبدالبهاء دارای مفاهیم بی شمار است. اما سه معنایی که هیکل مبارک با استناد به آیات قرآن بیان فرموده اند، اول ذات الهی است با استناد به "کلّ شیء هالک إلا وجه الله"؛ دوم، تجلی الهی است با استناد به "فأینما تولّوا فثمّ وجه الله"؛ و سوم رضای الهی است با استناد به "إنا نطعمکم لوجه الله". در این لوح مبارک به نظر می رسد معنای دوم مقصود باشد؛ یعنی انوار تجلی خداوند. (نگاه کنید به مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۹۶)

زمن المستغاث = مستغاث از اسامی خداوند، یعنی مظهر ظهور او است. زمان مستغاث زمان ظهور آن حضرت است. در واقع مستغاث به معنی نفس مقدّسی است که آدمیان از او یاری می خواهند و بدین لحاظ عنوان مظهر ظهور الهی قرار گرفته است و به زمان خاصی اشاره ندارد. جمال مبارک در لوحی می فرمایند،

"امروز غیث رحمت از وجود مستغاث نازل و هاطل. هر نفسی به آن اقبال نمود از مقربین محسوب؛ و آلا از مُعرضین در کتاب الهی مسطور." (اسرارالآثار، ج ۴، ص ۴۲۷). در لوح دیگر از قلم جمال قدم نازل، "با آن که در مستغاث اشراق شمس حقیقت را به اسم من یظهر عزّ اسمہ وعده فرموده‌اند، معذک می‌فرمایند که اگر در ساعت دیگر ظاهر شود، احدی را نمی‌رسد که لِمَ و بِمَ بگوید. چه که آن سلطان امکان لم یزل مختار بوده و خواهد بود." (مائدۀ آسمانی، ج ۴، ص ۳۱) برای بحث تفصیلی راجع به مستغاث نگاه کنید به سفینه عرفان، دفتر دوم، صص ۱۹۵ الی ۲۰۴).